مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۳. تابستان ۱۴۰۵

Urban managment
No.83 Summer 2026

۹۷-۱۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۳۱ تاریخ پذیرش نهایی : ۱۴۰۵/۰۴/۱۹

محله مطلوب و نقش آن در توسعه حس مکان در میان ساکنین (مطالعه موردی: محله نارمک تهران)

مریم چرخچیان*: استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران.

چکیده

با رشد بیگانگی شهروندان در شهرها، حس مکان تضعیف و نقش محلات به عنوان سلول حیات شهری کمرنگ شده است. لذا این پژوهش با هدف ارتقای حس مکان در محلات، ضمن بررسی حس مکان و ابعاد مختلف آن و همچنین استخراج مؤلفه‌های طراحی محلات شهری، به بررسی نقش مؤلفه‌های مکانی مؤثر در ارتقاء حس مکان ساکنین به محلات و نقش مطلوبیت محله و جنبه‌های مختلف آن در این زمینه پرداخته است. پرسش‌های کلیدی که در تحقیق حاضر مطرح می‌شود آن است که حس مکان چیست، ابعاد مختلف آن کدام‌اند و چگونه می‌توان این کیفیت را مورد سنجش قرار داد؟ مطلوبیت محله به عنوان سکونتگاه انسان در میزان حس مکان ساکنین آن چه نقشی دارد و کدام مطلوبیت در کدام ابعاد نقش معناداری در این زمینه دارد؟ و نقش عناصر کالبدی و اجتماعی در توسعه حس مکان در محلات چیست؟ روش اجرای تحقیق حاضر روش کمی می‌باشد که از طریق پیمایش و مشارکت ۳۸۰ نفر از ساکنین محله نارمک شمالی به عنوان نمونه موردی صورت گرفته است و نتایج از طریق نرم‌افزار SPSS و به‌کارگیری آزمون‌های مرتبط تحلیل شده‌اند. نتایج حاکی از آن است که علیرغم انتظار مؤلفه‌های اجتماعی محله تأثیر معناداری در زمینه حس مکان ساکنین نداشته و در میان ابعاد پنج‌گانه آن تنها دو **بعد کالبدی**: تراکم، تعداد طبقات، فضای باز، کفسازی فضاهای عمومی و وجود امکانات و خدمات عمومی مانند پارکینگ و **بعد زیست‌محیطی**: آب‌وهوای محله و بهداشت آن (دفع آب‌های سطحی و فاضلاب) رابطه معناداری با میزان حس مکان داشته است.

واژگان کلیدی: حس مکان، دلبستگی به مکان، هویت مکان، وابستگی به مکان، محله، محله نارمک.

* نویسنده مسؤول m.charkhchian@arc.ikiu.ac.ir

Desirable Community and Its Role in Developing Sense of Place among the residents (Case tudy: Narmak, Tehran)

Abstract

With the growing alienation of citizens from their homes, sense of place has weakened and the role of residential neighborhoods as cells of urban life has diminished. Therefore, this research with aim to improve the sense of place in neighborhoods tries to examine the role of effective spatial components in improving residents' sense of place in neighborhoods. The main questions raised in this study are: What is sense of place, what are its different dimensions, and how can this quality be measured? What role does the desirability of a neighborhood as a human settlement play in the sense of place of its residents? And What is the role of physical and social elements in developing a sense of place in neighborhoods? The method of conducting this research is a quantitative method applying a survey and participation of 380 residents of the North Narmak neighborhood as a case sample, and the results were analyzed through SPSS software and the use of related tests. The results indicate that, despite expectations, the social components of the location did not have a significant effect on the residents' sense of place. In addition, among the five dimensions of a desirable community, only two physical dimensions including density, number of floors, open space, flooring of public spaces, and the existence of public facilities and services such as parking, and the environmental dimension: the neighborhood's climate and its hygiene (disposal of surface water and sewage) had a significant relationship with the level of sense of place.

Keywords: Sense of place, Place attachment, Place identity, Place dependence, Community, Narmak Communiy.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

۱- مقدمه

در عصر حاضر با حاکمیت سوداگری اقتصادی بر انسان، جامعه، محیط‌زیست، شهر و محیط شهری، علاوه بر عدم کارایی و عملکرد مطلوب محیط‌های انسان‌ساخت شهرها دیگر نمی‌توانند پیوند عاطفی، معنایی و ادراکی با شهروندان برقرار نمایند و محیط پیرامون انسان در حال تغییر شکل به محیط‌هایی فاقد معنا و هویت می‌باشند که این امر کاهش حس مکان و دلبستگی به آن را به همراه داشته است (بستانی، ۱۳۹۳: ۳۵-۳۳). این در حالی ست که شهر به عنوان کانون زیستی فعال در تعاملی ناگسستنی با شهروندان بوده و می‌تواند برای آن‌ها سلامت، امنیت، رفاه و جذابیت به ارمغان آورد چرا که شهر تنها یک سکونتگاه نیست بلکه مکانی است دارای روح اجتماع که شهروندان از آن هویت می‌گیرند و در تعامل عاطفی با آن هستند. از گذشته‌های دور محله‌های مسکونی در شهرها به عنوان سلول‌های اولیه حیات شهری دارای نقش اساسی در زندگی شهروندان بوده‌اند و به عنوان بنیادی‌ترین عنصر شهری، حلقه واسط بین شهر و شهروندان بوده‌اند. محلات از طریق خلق ویژگی‌های متمایز خود زمینه ایجاد بنیادهای هویتی را برای افراد فراهم می‌آورند و سبب می‌گردند تا ساکنان نوعی احساس تعلق به محلات خود داشته باشند و محله را از خود بدانند تا جایی که هر شهروند با نام محله خود شناخته می‌شود و محله در این فرایند به خاستگاه هویتی ساکنان خود بدل می‌گردد که دستاورد آن حساسیت شهروندان نسبت به مسایل مختلف محله و مشارکت در حل مشکلات آن است. ولی محلات کنونی علیرغم این نقش محلات در گذشته، چیزی جز مجموعه‌ای از ساختمان‌های کوتاه و بلند، خیابان‌ها، ادارات و پارک‌ها نیستند و در نتیجه حس مکان نسبت به این فضاها نیز کمتر و کمتر گردیده است. این در حالی است که امروزه با توسعه جوامع انسانی و تغییر شیوه زندگی و سکونت مردم، توجه معماران، طراحان و برنامه ریزان به کیفیت فضاها و محیط‌های ساخته شده افزایش یافته و نقش طراحی به عنوان ابزاری برای شکل دادن به محیط زندگی و پاسخگویی به توقعات و نیازهای انسان اهمیت بیشتری یافته است.

شهروندان در تعامل با محیط شهری ادراک متفاوتی از کیفیات شهری داشته و از طریق رفتارهای خود در فضاهای شهری بر پایه ذهنیات، زمینه‌های تاریخی- هویتی و ارزش‌های فرهنگی- اجتماعی خویش در تلاش برای دستیابی به معیارهای مناسبی برای فضاهای مطلوب شهری می‌باشند. در این میان، محله به عنوان عنصر کلیدی سکونت در شهرها می‌تواند تأثیری عمیق بر ذهنیت انسان داشته باشد. محله‌ها معمولاً به سه صورت تعریف می‌شوند: از طریق مرزهای فیزیکی، از طریق هویت و ویژگی‌های خاص و از طریق پیوندهای کارکردی و اقتصادی (کارمونا و تیسدل[1]، ۲۰۰۷). محلات امروزی به‌گونه‌ای متحول شده‌اند که نه عناصر سازنده آن‌ها (مرکز محله شبکه ارتباطی و دسترسی‌ها، میدان‌ها، مساکن، تأسیسات محله) ساختار و عملکرد قبلی خود را دارند و نه ساکنان محله در قالب همان چارچوب‌های سنتی با دیگر ارتباط برقرار می‌کنند. امروزه محله‌های عرصه‌هایی هستند که به میزان زیادی از مدرنیسم و به تبع آن تغییر سبک زندگی و مناسبات مختلف متأثر گردیده‌اند. البته برخلاف کشورهای توسعه‌یافته جهان در کشورهای کمتر توسعه‌یافته یا درحال‌توسعه مانند ایران مدرنیسم هم‌زمان با گسترش شهرنشینی شتابان صورت گرفته و فرصت نهادینه شدن و دگرگونی در بنیادها و زمینه‌های ضروری را نداشته است. از این‌رو شهرهای امروزی نه شهرهای دیروز هستند با همان ویژگی‌های زمانی و بومی، نه شهرهای امروز هستند که اصول و مبانی و ضوابط شهرهای روز را داشته باشند (ابراهیم‌زاده و نصیری، ۱۳۸۶). عملکردگرایی دیدگاه‌های مدرنیستی توسعه، انسان و شهر را از معنا بیگانه و از حس تهی ساخته و با تولید انبوه فضاهای بی‌هویت و بی‌معنا انسان را در بی‌مکانی و بی‌هویتی رها کرده‌اند (یزدانی و پوراحمد، ۱۳۸۶). عواملی که سبب شده‌اند شهرهای بزرگ‌تر و انسان‌هایی با خاطرات و تجربیات حسی محدودتر به وجود بیایند (پرتوی، ۱۳۸۲). در این راستا اندیشمندان مختلف در سراسر جهان با هدف ارتقای کیفیت فضای شهری به نقش و اهمیت تعلق به مکان در سطوح مختلف آن پرداختند. به عنوان مثال یان بنتلی و همکارانش هفت معیار بهبود کیفیت فضای شهری را معرفی نموده و قابلیت شخصی‌سازی مکان را به عنوان عامل تعیین‌کننده در ایجاد حس مکان مطرح نمودند (بنتلی[2] و همکاران، ۱۹۸۵). همچنین پاکزاد در میان معیارهای مختلف کیفیت فضاهای شهری به مقوله‌هایی چون حس تعلق، حس مکان و اینهمانی با آن اشاره کرده است (پاکزاد، ۱۳۸۵). در طبقه‌بندی مؤلفه‌های کیفیات مختلف فضای شهری به دو طبقه کیفیات عینی (کالبدی و عملکردی) و کیفیات ذهنی (اجتماعی و معنایی)، مؤلفه حس مکان در طبقه کیفیات ذهنی و معنایی قرار می‌گیرد

از این‌رو پژوهش‌های بسیاری به بررسی چرایی عدم وجود حس مکان در میان شهروندان، عدم تعلق آن‌ها نسبت

1. Carmona and Tiesdell
2. Bentley

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۳ . تابستان ۱۴۰۵
Urban managment
No.83 Summer 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

به شهرها و محلات آن‌ها و نیز چگونگی تأثیر متقابل محیط یا فضای ساخته شده بر ذهنیات و رفتارهای انسان پرداخته‌اند. لذا تأکید پژوهش حاضر نیز بر روی مفهوم حس مکان و بررسی نقش راهکارهای طراحی شهری در افزایش حس مکان شهروندان به محلات آن‌ها می‌باشد. در این راستا پس از بیان تعاریف کلی از مفهوم حس مکان و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های آن به بررسی مفهوم محله و بررسی دیدگاه‌های مختلف در این راستا پرداخته می‌شود و سپس میزان تأثیرگذاری و اهمیت مؤلفه‌های طراحی شهری در محلات بر حس مکان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲- پرسش‌های تحقیق

سؤالاتی که تحقیق حاضر مطرح می‌گردد آن است که در درجه اول حس مکان چیست، ابعاد مختلف آن کدام‌اند و چگونه می‌توان این کیفیت را مورد سنجش قرارداد؟ پرسش بعدی آن است که مطلوبیت محله به عنوان سکونتگاه انسان در میزان حس مکان ساکنین آن چه نقشی دارد و کدام مطلوبیت در کدام ابعاد نقش معناداری در این زمینه دارد؟ و در نهایت این پرسش که نقش عناصر کالبدی و اجتماعی در توسعه حس مکان در محلات چیست؟

۳- فرضیه تحقیق

فرضیاتی که در این پژوهش مطرح شدند شامل دو فرضیه اصلی می‌باشد: ۱) تقویت تعلق اجتماعی بین ساکنان محله منجر به افزایش حس مکان در محلات می‌گردد. ۲) مطلوبیت عناصر کالبدی محلات منجر به افزایش حس مکان در میان ساکنین محله می‌گردد.

۴- پیشینه تحقیق

به‌طور کلی، مقوله حس مکان و دلبستگی به آن در دهه گذشته بیش از پیش در کشور موردتوجه قرار گرفته و افراد مختلفی به آن پرداخته‌اند. فلاحت در سال ۱۳۸۵، مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده را تبیین نموده و چرخچیان در سال ۱۳۸۸ نقش تنوع عملکردی را در این رابطه مورد تأکید قرار داده و فروزنده نیز در سال ۱۳۹۰، مفهوم حس مکان و عوامل مؤثر در آن را تبیین نموده است. در این راستا، حس مکان ابتدا در فضاهای عمومی و پس در فضای محلات موردتوجه قرار گرفت و موضوع تحقیقات مختلفی گردید. به عنوان مثال، مظلومی در سال ۱۳۸۹، نقش ادراکات ذهنی ساکنان را در میزان تعلق آن‌ها به محلات خود و فاضلیان و قاسمی نیز نقش فضاهای اجتماعی را در این رابطه بررسی نمودند. پیربابایی و سجادزاده در سال ۱۳۹۲ تعلق اجتماعی و تحقق سکونت اجتماعی در محلات سنتی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در راستای این تحقیقات در فضای محلات مبارکی و صلاحی نیز در سال ۱۳۹۲ نقش کیفیت خدمات شهری و تعهدات شهروندی را موردتوجه قرار داده و ابراهیمی فخار در سال ۱۳۹۲ تحقیقی در رابطه حس مکان در محله، نقش مشارکت اجتماعی را در منطقه ۱۳ مورد بررسی قرار داده است. تحقیقات میرزاپور در سال ۱۳۹۳ و خبیری در سال ۱۳۹۱ نیز تلاش نموده‌اند تا با مطالعه محلات به استخراج راهکارهای طراحانه‌ای که می‌تواند به خلق محلاتی که ساکنین احساس تعلق بیشتری به آن داشته باشند پرداخته‌اند.

در مورد مطالعات خارجی نیز تحقیقات مختلفی در زمینه حس مکان صورت گرفته است که هر یک در فضاهای مختلف و با رویکردهای مختلف این موضوع را مورد بررسی قرار داده و در جهت بسط این مفهوم و تعریف ابعاد و مؤلفه‌های آن تلاش نموده و تأثیر عوامل مختلف را بر آن سنجیده‌اند. به عنوان نمونه، دومینگوئس و همکارانش تلاش در تبیین ابعاد مختلف آن نموده و تأثیر عوامل مکانی و انسانی را بر میزان آن انداز گیری نموده‌اند. در این مطالعه به نقش چهار عنصر کلیدی مکان، زمان، مردم و خود اشاره شده است. این محققین در بسط مدلی در این رابطه همان‌گونه که در شکل ۱ آمده است به فرایندی بودن آن در قالب تعامل رفتاری، شناختی و عاطفی انسان با مکان و ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی مکان اشاره داشته‌اند و حس مکان را با عواملی چون ریشه داشتن در مکان، حس تعلق اجتماعی، وابستگی و دلبستگی به مکان و نیز هویت مکان اشاره نموده‌اند (دومینگس[1] و همکاران، ۲۰۲۱).

در مطالعه دیگری نیز با بررسی مطالعات پیشین، مدلی برای سنجش حس مکان در فضای ارائه شده (شکل ۲) که در آن شش عامل حمایت اجتماعی، جامعه (بررسی تعلق اجتماعی در رابطه با برآوردن نیازها، عضویت، تأثیر و ارتباط عاطفی)، تعادل زندگی (تعادل بین کار و زندگی)، اشتغال به مکان (تعهد و قدرت)، احترام و انعطاف‌پذیری مطرح شده است (لینگارد و ترنر[2]، ۲۰۲۳). عرفانی نیز مدلی مفهومی مبتنی بر سه عنصر فرد، اجتماع و مکان را مطرح نموده است که با یکدیگر روابط چندوجهی دارند. در این مدل چهار بعد دلبستگی به مکان، رضایتمندی از

1. Domingues
2. Lingard, and Turner

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

مکان، هویت مکان و وابستگی به مکان در کنار یکدیگر به عنوان عوامل تعیین‌کننده نحوه تعامل با محیط و حس افراد نسبت به خانه، همسایگی، شهر یا کشور آن‌ها مطرح شده است (عرفانی، ۲۰۲۲). در سال‌های اخیر این کیفیت حتی در طراحی فضاهای دیجیتال نیز موردتوجه قرار گرفته که فصل جدیدی را در این زمینه آغاز کرده است (رزگ[1] و همکاران، ۲۰۲۵).

۵- روش تحقیق

در این پژوهش به منظور بررسی رابطه میان ابعاد مختلف محله و میزان حس مکان ساکنین به آن از روش پیمایش استفاده گردید. در این راستا، ابتدا با استناد به منابع موجود، شاخص‌ها و عوامل تعیین‌کننده حس مکان به عنوان متغیر وابسته تعیین گردید و سپس ابعاد یک محله مطلوب به عنوان متغیر مستقل استخراج شد. ضمناً ویژگی‌های فردی و اجتماعی مشارکت‌کنندگان نیز در این تحقیق به عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفتند. حجم نمونه در این پژوهش براساس فرمول کوکران و جمعیت ساکنین محله (۲۹۴۳۷ نفر)، ۳۸۰ نفر می‌باشد که در قالب پرسشنامه مورد مصاحبه قرار گرفتند. برای تحلیل نتایج حاصله به منظور بررسی و تحلیل رابطه بین متغیرها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد و پس از آن به بررسی میزان معناداری و رابطه بین متغیرها پرداخته شد.

محله مورد مطالعه، محله نارمک واقع در شهر تهران می‌باشد که طراحی آن مبتنی بر ساختار محله محور با فضاهای عمومی توزیع شده در آن است و دارای بافت کالبدی و اجتماعی متمایزی می‌باشد این محله وسط بزرگراه رسالت به دو بخش تقسیم می‌شود که قسمتی از آن در منطقه ۴ و بخش بزرگ‌تر، در منطقه ۸ شهرداری تهران واقع شده است که هر دو بخش را به نام نارمک می‌شناسند. زمین‌های نارمک تا اواخر سال ۱۳۲۰ متعلق به دولت بود و بعد از تقسیم‌بندی در اختیار مردم قرار گرفت. محله نارمک با رعایت اسلوب جدید شهرسازی در سال‌های اولیه دهه ۱۳۳۰ آماده ساخت شد. طراحی اولیه محله توسط دو طراح خارجی به نام‌های بازیل و گورگن صورت گرفته و هم‌زمان مهندسان ایرانی نیز به عنوان مشاور همکاری داشتند. در طرح اولیه شهرک نارمک تعداد ۹۸ میدان کوچک و بزرگ به صورت فضای سبز شهری طراحی شد (عزیزی، ۱۳۸۵). محله نارمک به میدان‌های سرسبز و خیابان‌بندی‌های منظم شناخته شده است. براساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، قسمتی از محله با وسعت ۱۱۰۴۳۱۶ مترمربع و جمعیت ۲۹۴۳۷ در ناحیه ۴ منطقه ۴ شهرداری قرار گرفته که نارمک شمالی نام دارد. این محله در حال حاضر از شمال به خیابان فرجام، از جنوب به بزرگراه رسالت، از شرق به بزرگراه شهید باقری و از جهت غرب به خیابان هنگام ختم می‌شود. محله نارمک از شمال با محله علم و صنعت، از جنوب با منطقه ۸ شهرداری تهران، از شرق با محله تهران پارس غربی و از غرب با محله کالاد همسایه است. چشم‌اندازهای طبیعی، معماری غنی و طراحی شهری مناسب، همسازی فرم و عملکرد موجب تقویت هویت محله شده است. همچنین وجود سرانه مطلوب فضاهای سبز با بهره‌گیری از محوریت و مرکزیت داشتن میادین، ایجاد محورهای بزرگراهی و تسهیل در دسترسی ساکنان از دیگر چشم‌اندازهای توسعه این محله است.

۶- مبانی نظری

آن چه مکان‌ها را به عنوان ظرف فعالیت‌های مختلف انسان از یکدیگر متمایز می‌کند معنای آن است که می‌تواند آن را به یکی از مهم‌ترین تجارب انسانی بدل نماید؛ اما به‌طور کلی، مکان موضوعی پیچیده است که تعریف ثابتی از آن وجود ندارد و به دلیل وجود عناصر و مؤلفه‌های مختلف و تعیین‌کننده نمی‌توان آن را در شرایط منفک و ایزوله فهمید و پدیده‌ای کمی و کیفی است که نمی‌توان آن را به هیچ یک از ویژگی‌هایی خُردی چون ارتباط فضایی تقلیل داد (پرتوی، ۱۳۸۲). زمانی که ارتباط انسان و محیط مبتنی بر تجربه‌ای برای انسان باشد محیط به مکان تبدیل می‌شود که این تجارب بازتاب همگرایی‌ها، شناخت‌ها، تأثیرات و رفتار افرادی است که در آن زندگی می‌کنند (سلیمانی و همکاران، ۲۰۱۴)؛ بنابراین، حس مکان به معنای ارتباط با مکان به واسطه درک مکان و فعالیت‌های روزمره است که می‌تواند در مکان زندگی فرد به وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد. حس مکان نه تنها سبب هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان می‌گردد بلکه می‌تواند در ایجاد احساس امنیت، درک عاطفی بهتر از مکان و همچنین هویت‌مندی افراد و احساس تعلق آن‌ها به مکان نقش داشته باشد. به‌طور کلی، حس مکان مفهومی پیچیده و چندوجهی مبتنی بر باورها، احساسات و تعهد رفتاری نسبت به یک مکان جغرافیایی خاص می‌باشد (نیوئل. کانس سا[2]، ۲۰۱۸).

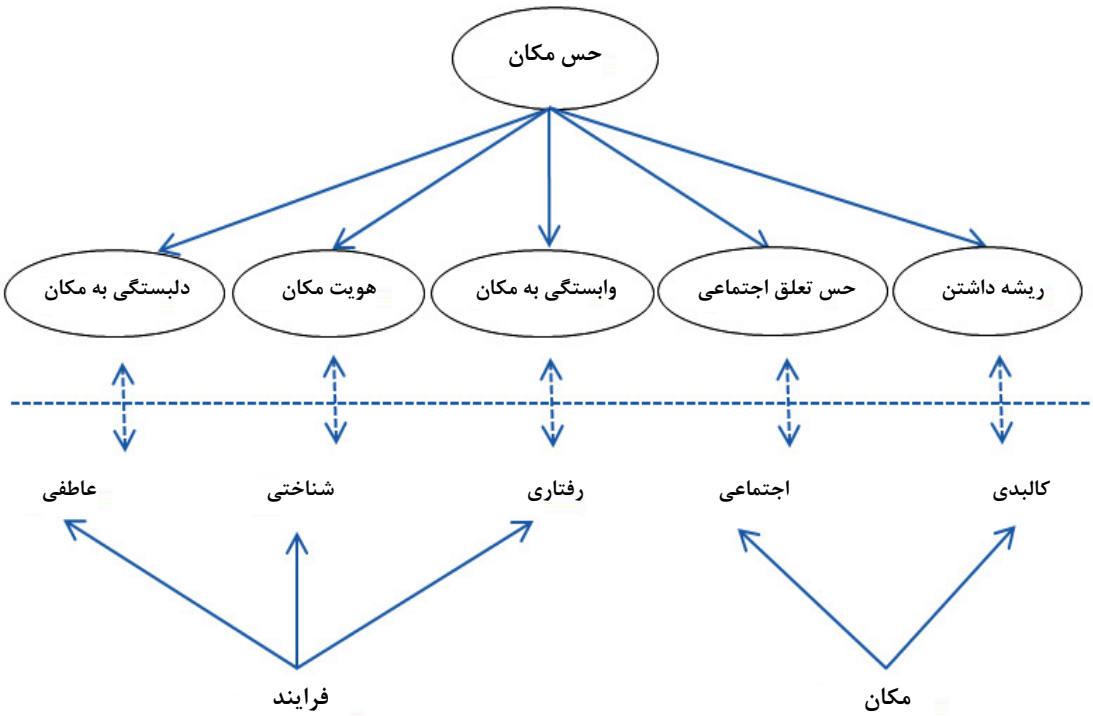
مروری بر تعاریف صورت گرفته از حس مکان نشان می‌دهد

1. Rezeg

2. Newell and Canessa

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۳ . تابستان ۱۴۰۵
Urban managment
No.83 Summer 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

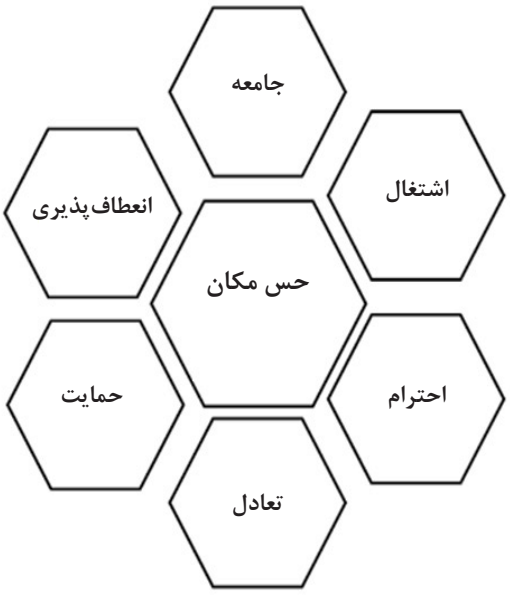


شکل ۱- عناصر شکل‌دهنده به حس مکان (دومینگس و همکاران، ۲۰۲۱)

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۳ . تابستان ۱۴۰۵
Urban managment
No.83 Summer 2026

که این حس به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. تعلق به مکان که بر پایه حس به مکان به وجود می‌آید فراتر از آگاهی فرد از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و درنتیجه انسان خود را جزیی از مکان می‌داند که بر پایه تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت نقشی از مکان در ذهن برای خود متصور می‌سازد و مکان برای او قابل احترام می‌شود (گل محمدی، ۱۳۸۱). تعلق و دلبستگی به مکان زمانی عمیق می‌شود که مکان به‌طور کامل توسط استفاده‌کنندگان احساس شود به بیان دیگر مکان قادر باشد نیازهای مختلف استفاده‌کنندگان را برطرف کند و در تناسب با اهداف رفتاری استفاده‌کنندگان طراحی شده باشند (لنگ[1]، ۲۰۰۵). در فرآیند درک محیط و به هنگام پیوند با آن هر چه احساسات و عواطف انسانی بیشتر تحریک شوند و رابطه عاطفی محکم‌تری با محیط برقرار شود، تجربه غنی‌تری از حس مکان به وجود می‌آید. تجربه‌ای که از سطح حس مکان اولیه فراتر رفته و به سمت حس مکان میل می‌کند. این تجربه ریشه در عوامل مختلفی چون: دلبستگی به مکان، هویت مکان به معنای تمایز، عزت‌نفس، خودکارآمدی، تداوم مرجعیت مکان،

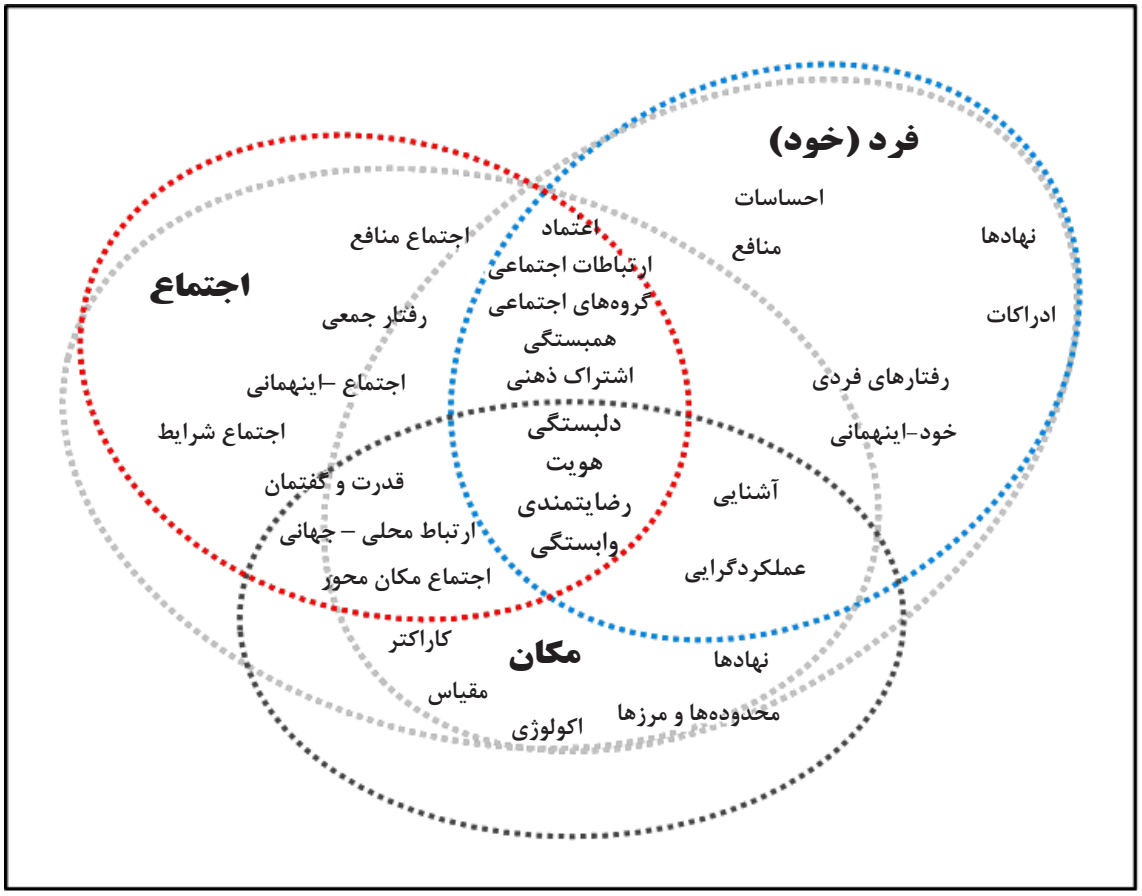
1. Lang



شکل ۲- اجزاء حس مکان (لینگارد و ترنر[1]، ۲۰۲۳)

1. Lingard, and Turner

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]



شکل ۳- ارتباط بین فرد، اجتماع و مکان (عرفانی، ۲۰۲۲)

تداوم سازگاری با مکان، وابستگی به مکان، حس تعلق اجتماعی حاصل از عضویت، تأثیر، انسجام و برآورده کردن نیازها، ارتباط عاطفی مشترک با سایرین و ریشه داشتن در مکان که ناشی از خاطرات، میراث و انتقال آن بین نسل‌هاست (دومینگس[1] و همکاران، ۲۰۲۱).

۱-۶- فرایند شکل‌گیری حس مکان

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، حس مکان محصول ادراک فردی از مکانی مشخص و احساسات فرد و یا به عبارتی تعامل فکری با مکان است که تحت تأثیر ویژگی‌های اجتماعی و کالبدی آن است (ابو شوک[2] و همکاران، ۲۰۱۸). به بیان دیگر، حس مکان چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی به وسیله ویژگی‌های مکان مانند محیط مادی و زمینه اجتماعی برانگیخته می‌شود (ژانگ و لی[3]، ۲۰۲۱؛ پنگ[4] و همکاران، ۲۰۱۷). این حس مبتنی بر سه عامل: فرد، اجتماع و مکان می‌باشد که در یک فرایند سه قطبی معنای محیطی حس مکان را تعریف می‌نمایند. مفهوم اجتماع با حس تعلق به یک محدوده خاص، گروه اجتماعی، هویت، ارتباط عاطفی و احساس خوب تعریف می‌شود (فیشر[5] و همکاران، ۲۰۰۲).

مکان محصول تجربیات زیسته افراد است که از جنبه‌های مختلفی قابل درک است. محیط فیزیکی حامل احساسات بوده و حس مکان پیوندهای عاطفی افراد با محیط مادی است که با ادراک، نگرش، روانشناسی و احساسات انسان نسبت به فضا سروکار داشته و مفهومی چندوجهی و تحت تأثیر عوامل پیچیده اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی شناخته می‌شود (گوکچه و چن[6]، ۲۰۲۱). مفهوم مکان که چیزی بیش از یک محدوده با مرزهای پیرامون آن بوده و به یک

1. Domingues
2. Abou-Shouk

3. Zhang and Li
4. Peng
5. Fisher
6. Gokce and Chen

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۳ . تابستان ۱۴۰۵

Urban managment
No.83 Summer 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

لحظه از ارتباطات اجتماعی اشاره دارد. این لحظه از طریق تعاملات اجتماعی، تحرک، ارتباط از طریق تبادل‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با دنیای وسیع‌تر که در یک لحظه خاص و در یک مکان خاص چه خانه، چه شهر، چه محله و چه کشور اتفاق می‌افتد. مکان نه تنها بر فرد یا جامعه بلکه بر حس مکان اثرگذار است. حتی ویژگی‌های بیوفیزیکی مکان مثل فصل، آب‌وهوا یا مناظر و دیدها می‌تواند به مردم امکان دریافتی متمایز از مکان و حس مکان متفاوت می‌دهد. هنگامی که عناصر و رویدادهای منحصربه‌فرد درون یک مکان تجسم می‌یابد مکان به چیزی فراتر از کالبد رفته و جنبه معنایی و فرهنگی پیدا می‌کند (وارتمن و پروز[1]، ۲۰۱۸). آشنایی تاریخی و کالبدی با مکان بر حس فرد در مورد مکان اثرگذار است (شمس‌الدین و اوجانگ[2]، ۲۰۰۸). وابستگی فرد با مکان با تأمین نیازهای فرد در مکان مانند شغل و مسکن تعریف می‌شود. ارتباط فرد و اجتماع (خانواده، محله و دوستان) عنصر حیاتی در معماری مکان است که می‌تواند حس مکان را تحت تأثیر قرار دهد. وقتی یک فرد یک همسایگی، محل و نهاد را می‌شناسد رفتار او و هنجارهای اجتماعی قابل پیش‌بینی شده و شبکه‌ای آشنا مبتنی بر اعتماد بین ساکنین شکل می‌گیرد. اگرچه رفتار فردی ست ولی محققین بین رفتار فردی و جمعی در شکل دادن به حس مکان تمایز قائل می‌شوند (عرفانی، ۲۰۲۰). در واقع، ارتباط مطلوب اعضاء یک اجتماع در طول زمان ارتباطی عمیق و روح همبستگی ایجاد می‌کند که به دلبستگی منتهی می‌گردد. مطالعه پیتون و همکارانش نشان داد رابطه معناداری میان فعالیت اجتماعی و دلبستگی به مکان وجود دارد (پایتون[3] و همکاران، ۲۰۰۵) که در کنار آن عوامل کالبدی و ویژگی‌های فردی نیز در شکل‌گیری حس مکان نقش معناداری دارند (بستانی، ۱۳۹۳).

۲-۶- ابعاد و مؤلفه‌های حس مکان

به‌طور کلی می‌توان گفت دو دیدگاه کلان در زمینه حس مکان وجود دارد: دیدگاه برنامه ریزان و طراحان محیطی که در کنار اشاره به ویژگی‌های فردی و اجتماعی بیشتر بر نقش عوامل محیطی (کالبد، فعالیت و معنا) در شکل‌گیری حس مکان تأکید می‌کنند و دیدگاه روانشناسان محیطی و جامعه شناسان شهری که ضمن اشاره به تأثیرگذاری عوامل محیطی به نقش بیشتر ویژگی‌های فردی، تعاملات اجتماعی، عواطف و احساسات انسانی در شکل‌گیری حس مکان اشاره می‌کنند (گیفورد[4]، ۲۰۰۲). شامای و کلرمن در سال ۱۹۸۵ چهار سطح از حس مکان را شامل: عدم داشتن حس مکان، آگاهی از مکان، تعلق به مکان و دلبستگی به مکان مطرح می‌کنند که شامای بعدها در سال ۱۹۹۱ سه سطح اینهمانی با مکان، درگیر بودن با مکان و از خودگذشتگی برای مکان را به آن اضافه می‌کند. مقیاس حس مکان برای سنجش آن در چهار محور قابل طبقه‌بندی است که به وجود ابعاد و مؤلفه‌های گوناگون در سنجش حس مکان اشاره دارد:

- **قطبی بودن:** مقیاس‌های مثبت در چهار سطح از بالاترین تا پایین‌ترین میزان حس مکان را مورد سنجش قرار می‌دهند. برخی مطالعات نیز در قالب دو قطب یعنی نگرش‌های منفی و مثبت و برخی دیگر به صورت تک قطبی تنها نگرش‌های مثبت نسبت به حس مکان را مورد بررسی قرار می‌دهند.
- **صراحت:** که به نحوه طرح سؤالات به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اشاره دارد. نوع مستقیم با این فرض که حس مکان در ذهن پاسخ‌دهنده وجود دارد و نوع غیرمستقیم با فرض تفسیرهای مختلف به این موضوع می‌پردازند.
- **مؤلفه‌ها:** که عمدتاً به چند مؤلفه‌ای بودن مقیاس‌های سنجش حس مکان که هر مؤلفه نیز در قالب طیف (مثل طیف لیکرت) مورد پرسش قرار می‌گیرد اشاره دارد.
- **ابعاد:** که به مقیاس چندبعدی مبتنی بر سنجش زیرمقیاس‌هایی که در ذیل مؤلفه‌های مرتبط با حس مکان مطرح می‌شوند به بررسی آن می‌پردازد (شامای و ایلاتوو[5]، ۲۰۰۵).

از جمله شاخص‌های اصلی سازنده حس مکان می‌توان به هویت متمایز مکان، حس وابستگی و پیوندهای اجتماعی در مکان اشاره نمود چراکه هویت ویژگی اساسی تجربه مکان توسط افراد است که هم از تجربه انسان تأثیر می‌گیرد و هم بر آن تأثیر می‌گذارد. گرچه یک مکان متمایز ممکن است هویت خاصی را برای گروه‌ها و اجتماعات مختلف به همراه داشته باشد اما همواره زمینه‌های مشترک و توافقی درباره هویت مکان میان افراد وجود دارد. یکی دیگر از شاخص‌های اصلی حس مکان احساس وابستگی به محیط

1. Wartmann and Purves
2. Shamsuddin and Ujang
3. Payton
4. Gifford
5. Shamai and Ilatov

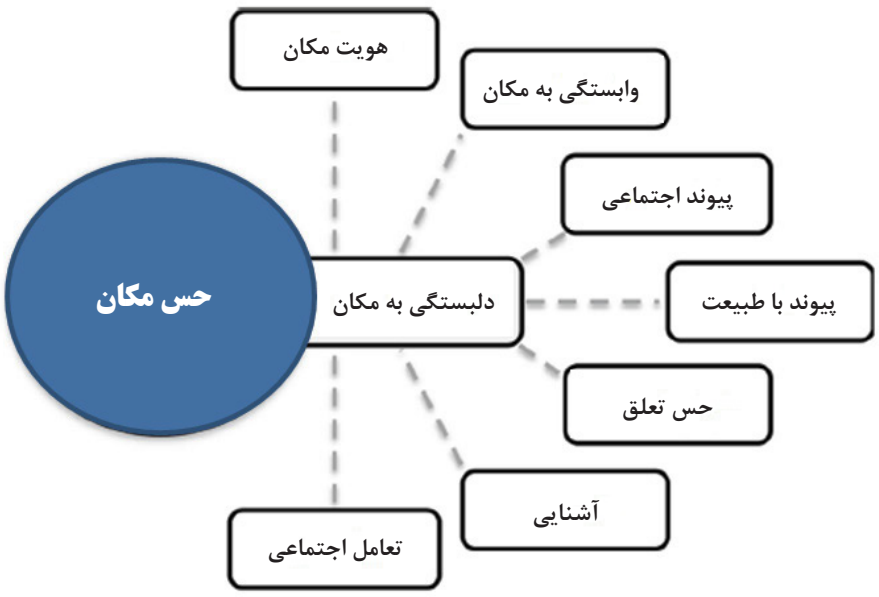
مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۳ . تابستان ۱۴۰۵
Urban managment
No.83 Summer 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

است و زمانی این امر رخ خواهد داد که فرد نسبت به محیط حس مالکیت داشته و آن را متعلق به خود بداند. البته در این میان عامل زمان نیز فارغ از کیفیات و ویژگی‌های فضا منجر به ایجاد پیوند و وابستگی بین فرد و مکان می‌گردد. در حقیقت حضور مستمر و طولانی در یک مکان می‌تواند بر شکل‌گیری حس وابستگی به آن مکان تأثیرگذار باشد. بر این اساس وابستگی به مکان با دو عامل حس مکان و حضور مستمر و طولانی در محیط شکل می‌گیرد (قائدنیا، ۱۳۹۴). وجه دیگر حس مکان فارغ از کیفیات محیطی و فضایی مکان؛ منبعث از پیوندهای اجتماعی و تعاملات انسانی است که در مکان وجود دارد. در واقع مکان به این تعاملات شکل داده و به عنوان عامل مشترک میان جمع، آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. در این شرایط، مکان کیفیاتی متفاوت برای فرد یافته و او به واسطه تعاملات اجتماعی جاری در آن به مکان دلبسته می‌گردد.

مطالعات بسیاری تلاش کرده‌اند تا مدل‌هایی را برای اندازه‌گیری تجربی آن از طریق شاخص‌های متعدد ارائه دهند تا بتوانند به نحو ملموس‌تری مفهوم حس مکان را تبیین نمایند به عنوان نمونه مطالعه گوکچه و همکارش هفت شاخص در زمینه حس مکان مطرح کرده است که در این مطالعه حس مکان تا حدودی معادل با دلبستگی به مکان (شکل ۴) تعریف شده است:

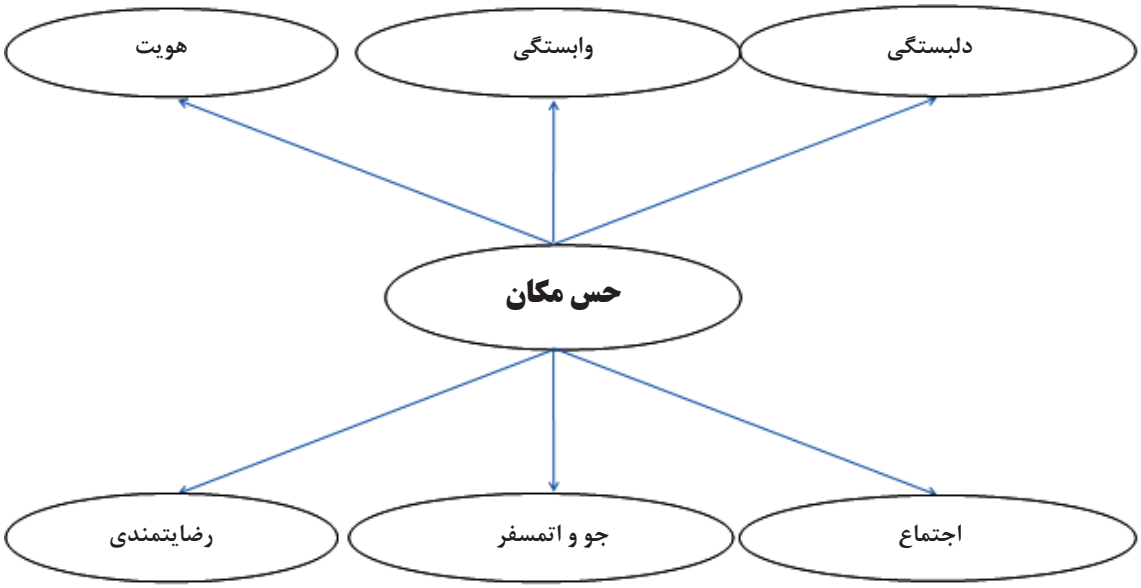
- «**هویت مکان**» معنای نمادین یک مکان که ترجیحات ساکنان نسبت به فضا را منعکس می‌کند؛
- «**وابستگی به مکان**» به لحاظ عملکردی که با برآوردن نیازهای عملکردی ساکنان یا کاربران توضیح داده می‌شود؛
- «**پیوند با طبیعت**» چه از نظر احساسی و چه از نظر عملکردی که با خاطراتی مانند فعالیت‌های کشاورزی، دسترسی به طبیعت و زمان صرف شده در فضاهای سبز بیرونی برای اوقات فراغت مرتبط است؛
- «**پیوند اجتماعی**» که ایجاد و حفظ روابط اجتماعی معنادار در یک مکان خاص تعریف می‌شود؛
- «**حس تعلق**» به معنای احساس در خانه بودن؛
- «**آشنایی**» یعنی میزان پیوند فرهنگی با محیط فیزیکی و تعامل مداوم با فضا از نظر اجتماعی و بصری؛
- «**تعامل اجتماعی**» که به فرصت‌هایی اشاره دارد که فضا برای تعامل افراد با یکدیگر ارائه می‌دهد (گوکچه و چن، ۲۰۲۱).



شکل ۴- هفت مؤلفه حس مکان (گوکچه و چن، ۲۰۲۱)

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۳ . تابستان ۱۴۰۵
Urban managment
No.83 Summer 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]



شکل ۵- اجزاء حس مکان (دویچ[1] و همکاران، ۲۰۱۳)

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۳ . تابستان ۱۴۰۵
Urban managment
No.83 Summer 2026

۳-۶- مفهوم محله

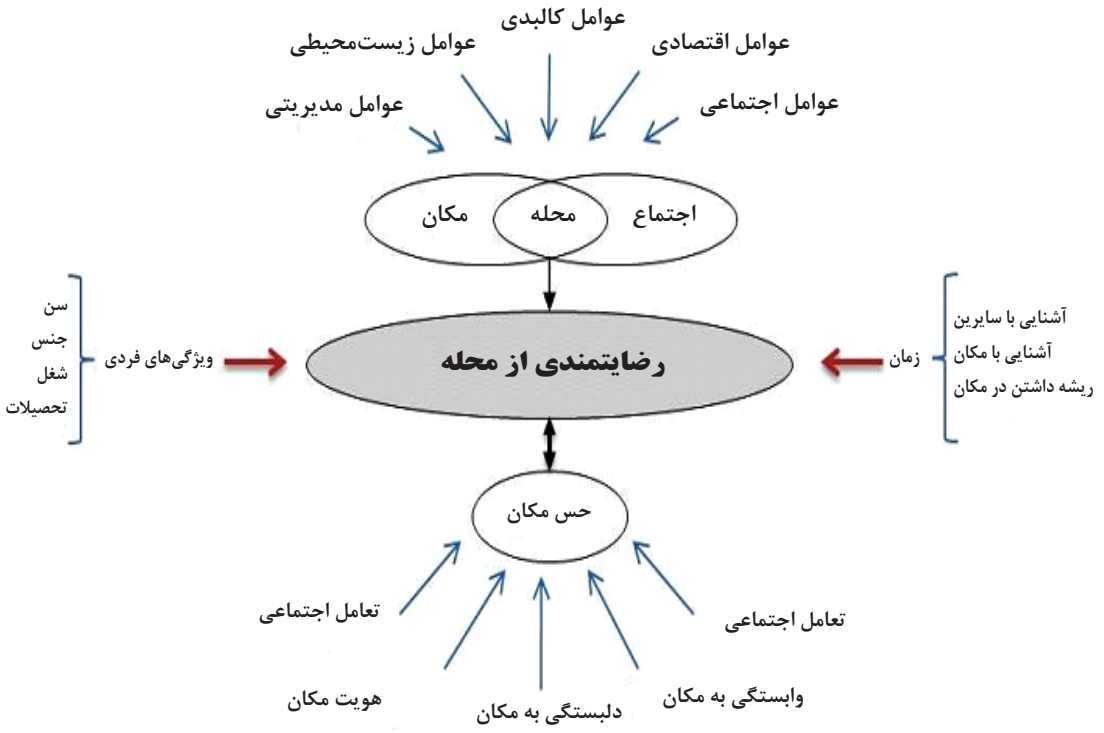
محلات بنیادی‌ترین عنصر شهر و حلقه واسطه بین شهر و شهروندان و بستری برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی افراد هستند. هر محله از طریق فراهم آوردن بنیادهای هویتی برای افراد و با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص سبب می‌شود ساکنان آن نوعی احساس تعلق به محله داشته باشند و محله را از خود بدانند تا جایی که هر شهروند می‌تواند با نام محله‌ای که در آن سکونت دارد شناخته شود و بدین ترتیب دیگر محله تبدیل به خاستگاه هویتی برای ساکنان خود مبدل شود. در مطالعه و شناخت محله باید به چهار عامل: مرزهای کالبدی و نمادین، پیوندهای اجتماعی، تسهیلات و خدمات محلی و هویت و احساس تعلق به مکان توجه داشت (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۹). برای خلق یک محله مطلوب که بتواند رضایتمندی ساکنین را فراهم آورد ابعاد مختلفی مطرح هستند که شامل ابعاد کالبدی، زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی می‌باشد که مؤلفه‌های مختلف آن در جدول ذیل آمده است:

جدول ۱- ابعاد و مؤلفه‌های محله مطلوب و پایدار (رادجهانبانی و پرتوی، ۱۳۹۰)

ابعاد	مؤلفه‌ها
معیارهای کالبدی-فضایی	مؤلفه‌های عینی محیط، مؤلفه‌های ذهنی محیط، مؤلفه‌های عملکردی محیط
معیارهای اجتماعی- فرهنگی	کیفیت قلمرو فردی و خصوصی، کیفیت عرصه همگانی و قلمرو عمومی
معیارهای اقتصادی	نیازهای اقتصادی، اقتصاد فعال پایدار، هزینه‌ها
معیارهای زیست‌محیطی	کارایی، کیفیت (پاکیزگی، اصوات، بو و رایحه)، کیفیت بستر و محیط طبیعی
معیارهای مدیریتی ـ حکمرانی	تأثیربخشی و کارایی، شفافیت، مشارکت

1. Deutsch

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]



شکل ۶- مدل تحقیق و تبیین متغیرهای تحقیق و ابعاد مختلف آن (نگارنده)

همان‌گونه که در مدل تحقیق قابل مشاهده است با مرور مطالعات پیشین و بررسی نحوه سنجش حس مکان به عنوان متغیر وابسته تحقیق و تطبیق آن با فضای مورد مطالعه حس مکان با پنج عامل وابستگی به مکان (با ۵ گویه)، دلبستگی به مکان (با ۵ گویه)، هویت مکان (با ۴ گویه)، تعامل اجتماعی (با ۴ گویه) و تعلق اجتماعی (با ۴ گویه) در قالب طیف پنج‌گانه لیکرت مورد بررسی قرار گرفتند که در عین حال تأثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی و عامل زمان در قالب میزان آشنایی با مکان و سایرین و مدت سکونت مورد سنجش قرار گرفتند. در بخش سنجش میزان رضایتمندی از ابعاد مختلف محله مورد مطالعه به عنوان متغیر مستقل تحقیق نیز پرسش‌ها در قالب پنج محور مطرح شده در جدول ۱ یعنی ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و مدیریتی و براساس مطالعه چرخچیان در سال ۱۳۹۸ مطرح شد و در قالب طیف لیکرت این متغیر مورد بررسی قرار گرفت.

۷- مطالعات و بررسی‌ها

آمار توصیفی از ویژگی‌های فردی و اجتماعی پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد ۴۲ درصد پاسخ‌دهندگان زن و ۵۸ درصد آن‌ها مرد بوده‌اند که از میان آن‌ها ۵۳.۲ درصد مجرد و ۴۶.۸ درصد متأهل بوده‌اند. از میان ۳۸۰ نفر مشارکت‌کننده در تحقیق، ۵۴ نفر در بازه سنی (۱۰-۲۰ سال)، ۱۶۸ نفر در بازه سنی (۲۰-۴۰ سال)، ۱۰۶ نفر در بازه سنی (۴۰-۶۰ سال) و ۵۲ نفر در بازه سنی (۶۰ سال به بالا) قرار دارند. بر طبق نتایج بدست آمده ۵۸ نفر (۱۵.۲۶ درصد) از افراد شغل دولتی، ۶۴ نفر (۱۶.۸۴ درصد) از افراد در بخش خصوصی و ۸۹ نفر از افراد (۲۳.۴۲ درصد) در بخش مشاغل آزاد فعالیت می‌کنند. همچنین ۵۳ نفر (۱۳.۹۵ درصد) از افراد بازنشسته، ۷۴ نفر (۱۹.۴۷) نفر از افراد خانه‌دار و ۴۲ نفر (۱۱.۰۵) درصد از افراد فاقد شغل بودند. بررسی میزان تحصیلات افراد پرسش‌شونده نشان می‌دهد که ۱۱۶ نفر (۳۰.۵۲ درصد) از افراد زیر دیپلم و دیپلم، ۱۸۶ نفر ۴۸.۹۵ درصد) لیسانس، ۶۶ نفر (۱۷.۳۷ درصد) فوق‌لیسانس و ۱۲ نفر (۳.۱۶ درصد) از افراد دکترا هستند

در بررسی نتایج حاصل از میزان حس مکان در میان مشارکت‌کنندگان همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود آلفای کرونباخ در حس مکان (۰/۸۷۴) و ابعاد مختلف آن از میزان قابل قبولی برخوردار است که نشان‌دهنده پایایی پرسش‌ها در این زمینه می‌باشد.

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۳ . تابستان ۱۴۰۵

Urban managment
No.83 Summer 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

جدول ۲- مقادیر آلفای کرونباخ، میانگین همبستگی درونی، میانه و انحراف معیار در متغیر وابسته و ابعاد مختلف آن

مؤلفه‌ها و ابعاد	Alpha	MIIC	Mean	SD
حس مکان	۰/۸۷۴	۰/۶۱۴	۲/۸۶	۰/۸۶
وابستگی به مکان	۰/۹۱۵	۰/۲۶۷	۳/۱۰	۰/۶۰
دلبستگی به مکان	۰/۸۹۶	۰/۴۸۲	۲/۸۱	۰/۷۶
هویت مکان	۰/۸۵۲	۰/۵۲۳	۲/۶۵	۱/۱۶
تعامل اجتماعی	۰/۹۳۱	۰/۵۶۷	۳/۵۸	۰/۸۲
تعلق اجتماعی	۰/۸۶۳	۰/۴۰۷	۲/۲۶	۰/۷۵

۸- یافته‌های تحقیق

بررسی معناداری رابطه میان عوامل فردی و اجتماعی با حس مکان افراد به مکان نشان می‌دهد اختلاف معناداری بین حس مکان در گروه زنان و مردان و افراد مجرد و متأهل وجود ندارد. همچنین نوع مالکیت (شخصی و استیجاری)، سن، تحصیلات و قومیت نیز در این رابطه نقش تعیین‌کننده‌ای نداشته‌اند و در مورد تأثیر شغل یافته‌های تحقیق حاکی بر حس مکان، بازنشستگان میزان حس مکان بیشتری به مکان داشته‌اند؛ اما آزمون همبستگی میان عامل مدت سکونت نشان می‌دهد این عامل رابطه معناداری با میزان تعلق افراد به محل سکونت آن‌ها داشته است.

به منظور بررسی تأثیر عوامل مختلف طراحی محله بر حس مکان ساکنین به آن از آزمون رگرسیون چندگانه داده‌ها استفاده شده که نتایج آن در جدول ۳ آمده است. همان‌گونه که در جدول مذکور ملاحظه می‌گردد از مجموع ۵ مؤلفه طراحی محله، دو مؤلفه کالبدی و زیست‌محیطی (در سطح اطمینان ۵٪) رابطه معناداری با متغیر حس مکان نشان داده‌اند.

مطالعه شاخص‌های مختلف ۵ مؤلفه مذکور و نقش آن در میزان حس مکان ساکنین که براساس آزمون همبستگی مورد بررسی قرارگرفته است نیز در جدول ۴ آمده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد در میان مؤلفه‌های کالبدی: تعداد طبقات و میزان تراکم، وسعت فضا، نوع و کیفیت کف سازی پیاده‌روها و وجود پارکینگ کافی، در میان مؤلفه‌های عملکردی: وجود نیازهای ضروری و خدمات همگانی (مدرسه، درمانگاه و غیره)، در میان مؤلفه‌های زیست‌محیطی: دفع مناسب زباله و تأمین بهداشت و کیفیت آب‌وهوا رابطه معناداری با میزان تعلق افراد به محل سکونت آن‌ها داشته‌اند و رابطه معناداری میان شاخص‌های مختلف مؤلفه اجتماعی و مدیریتی وجود ندارد.

جدول ۳. نتیجه آزمون رگرسیون مؤلفه‌های مکان در پیش‌بینی حس مکان افراد به محله

ضرایب رگرسیون	ضرایب استاندارد نشده		ضریب رگرسیون استاندارد شده (بتا)	t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد			
مقدار ثابت (a)	۱۹/۷۴۵	۹/۷۶۴		۱/۹۷۵	۰/۰۴۶
مؤلفه کالبدی	۰/۳۶۵	۰/۱۶۷	۰/۲۲۵	۲/۲۷۸	۰/۰۲۶
مؤلفه اجتماعی	۰/۷۲۸	۰/۵۴۴	۰/۱۲۱	۱/۳۳۴	۰/۱۸۳
مؤلفه اقتصادی	۰/-۲۱۱	۰/۶۸۲	۰/-۰۳۵	۰/-۳۱۲	۰/۶۵۰
مؤلفه زیست‌محیطی	۱/۸۶۸	۰/۶۶۲	۰/۲۸۳	۲/۸۷۱	۰/۰۰۴
مؤلفه مدیریتی	۰/۲۷۹	۱/۱۹۲	۰/۰۲۲	۰/۲۴۱	۰/۷۹۸

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی میان شاخص‌های مختلف مؤلفه‌های پنج‌گانه و میزان حس مکان

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مؤلفه کالبدی	تعداد طبقات و میزان تراکم	-۰,۲۱۴	۰,۰۲۵
	وسعت فضا	۰,۱۸۸	۰,۰۳۳
	تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌های موردنیاز	۰,۳۲۱	۰,۲۲۱
	ترافیک محله	-۰,۰۷۸	۰,۳۶۳
	امکان دسترسی آسان پیاده به محله	۰,۰۶۹	۰,۴۵۳
	نوع و کیفیت کف سازی پیاده‌روها	۰,۲۳۱	۰,۰۱۱
	دسترسی آسان سواره به نقاط گوناگون محله	۰,۰۴۸	۰,۵۶۴
	وجود پارکینگ کافی	۰,۲۱۹	۰,۰۱۶
	وجود کاربری‌ها و فعالیت‌های مزاحم و نامناسب	۰,۱۰۸	۰,۲۳۴
	کیفیت ساخت‌وساز بناها	۰,۱۴۲	۰,۱۳۶
	وجود فضای سبز و درختکاری مناسب	-۰,۰۲۰	۰,۹۰۸
	زیبایی و مطلوبیت فضای محله	۰,۰۳۱	۰,۷۵۸
	شهرت و اعتبار عمومی محله	۰,۰۳۸	۰,۶۸۵
	آسایش و راحتی محله	۰,۰۸۷	۰,۳۲۱
	امنیت محله	۰,۰۷۹	۰,۳۵۶
	پاکیزگی و بهداشت در محله	۰,۰۴۱	۰,۶۷۶
مؤلفه عملکردی	وجود نیازهای ضروری و خدمات همگانی (مدرسه، درمانگاه و ...)	۰,۱۶۶	۰,۰۳۹
	وجود مکان‌های تفریحی و فضای باز	۰,۰۷۲	۰,۴۵۹
	دسترسی به حمل‌ونقل عمومی	۰,۱۲۱	۰,۲۱۳
مؤلفه اجتماعی	هماهنگی همسایگان در حل مسایل آپارتمان و محل سکونت	۰,۱۱۴	۰,۲۳۴
	روابط صمیمانه میان همسایگان	۰,۱۷۱	۰,۰۶۸
	رونق فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی در فضاهای همگانی	۰,۱۵۸	۰,۰۷۸
مؤلفه اقتصادی	رونق فعالیت‌های اقتصادی	۰,۰۳۵	۰,۷۳۱
	قیمت مسکن	۰,۰۴۱	۰,۶۴۲
	رونق فعالیت‌های اقتصادی	۰,۰۳۴	۰,۷۳۶
مؤلفه زیست‌محیطی	دفع مناسب زباله و تأمین بهداشت	-۰,۰۳۸	۰,۷۰۸
	کیفیت آب‌وهوا	۰,۱۸۷	۰,۰۳۴
	وضعیت سیستم فاضلاب و دفع آب‌های سطحی	۰,۲۴۸	۰,۰۰۴
مؤلفه مدیریتی	مدیریت عمومی محله	۰,۱۲۴	۰,۲۰۸
	پاسخگویی مسئولین	۰,۰۵۶	۰,۶۳۱
	حفظ و نگهداری محله	۱,۶۳	۰,۴۶

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۳ . تابستان ۱۴۰۵
Urban managment
No.83 Summer 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

۹- نتیجه تحقیق

نتایج آزمون‌های آماری مرتبط با متغیرهای فردی اسمی نشان می‌دهد از بین متغیرهای گوناگون اسمی اختلاف معناداری بین بازنشستگان و افراد خانه‌دار در حس مکان به محله وجود دارد. همچنین نتایج بدست آمده مرتبط با متغیرهای فردی ترتیبی نشان می‌دهد که از بین شاخص‌های مختلف تنها مدت اقامت افراد در محله یعنی عامل زمان که در تحقیقات مشابه نیز مورد تأکید قرار گرفته است رابطه معناداری با حس مکان دارد به این ترتیب که با افزایش مدت اقامت در محله، حس مکان افراد به آن بیشتر شده است. از طرفی با توجه به جمع‌بندی نتایج حاصله از مرور ادبیات در حوزه عوامل تأثیرگذار در مطلوبیت فضای محلات در قالب مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و مدیریتی و بررسی نقش آن‌ها بر میزان حس مکان ساکنین به عنوان متغیر مستقل نتایج حاکی از آن است که در این میان مؤلفه‌های کالبدی و زیست‌محیطی رابطه معناداری با حس مکان ساکنین داشته‌اند. با عنایت به این نتیجه، تحلیل‌های بیشتر بر روی شاخص‌های مختلف بررسی مؤلفه کالبدی و بررسی نقش آن در ارتقاء حس مکان ساکنین نیز نشان داد که شاخص‌های مختلف رضایتمندی عوامل کالبدی مانند تعداد طبقات و میزان تراکم، وسعت فضا، نوع و کیفیت کفسازی پیاده‌روها، وجود پارکینگ کافی و وجود خدمات همگانی و نیازهای ضروری نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان حس مکان به محله دارند. همچنین از میان شاخص‌های مرتبط با مؤلفه زیست‌محیطی، کیفیت آب‌وهوا و وضعیت سیستم فاضلاب و دفع آب‌های سطحی نیز رابطه معناداری با حس مکان ساکنین به محله خود نشان داده است؛ اما علیرغم این که براساس نتایج مطالعات مشابه مانند مطالعه چرخچیان و همکاران در سال ۱۳۸۸ انتظار می‌رفت مؤلفه اجتماعی نیز رابطه معناداری با حس مکان افراد داشته باشد چنین نتیجه‌ای در مطالعات مشاهده نگردید که بررسی چرایی این امر می‌تواند موضوع تحقیقات آتی باشد. از سوی دیگر عدم رابطه میان مؤلفه‌های اقتصادی و مدیریتی که در بسیاری از تحقیقات به عنوان عامل مؤثر در ایجاد و ارتقاء حس مکان گزارش شده بود نیز در تحقیق حاضر فاقد رابطه معنادار در این باره بوده است که نیاز به بررسی بیشتر در این زمینه دارد که این نتیجه نشان می‌دهد همان‌گونه در مطالعه قائدنیا (۱۳۹۴) و مطلبی (۱۳۸۵) نیز به اهمیت ابعاد کالبدی اشاره شده، افراد در درجه اول در پی تأمین نیازهای کالبدی خود در فضای زندگی خود می‌باشند. در نهایت با بررسی برآیند تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها در متغیر وابسته تحقیق با توجه به بتای بدست آمده (۰/۲۸۳)، می‌توان گفت متغیر زیست‌محیطی، قوی‌ترین رابطه را با حس مکان افراد به محله داشته است به این معنی که این عامل می‌تواند مهم‌ترین عامل در ارتباط با حس مکان افراد به محله باشد. مؤلفه کالبدی با ضریب رگرسیون استاندارد شده (۰/۲۲۵) نیز در رتبه بعدی قرار می‌گیرد که هر با توجه به تأثیرگذاری هر دو متغیر مذکور بر روی حس مکان افراد به محله می‌باید در تمامی سطوح طرح‌های شهری موردتوجه قرار گیرند.

منابع فارسی و لاتین

- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ نصیری، یوسف. (۱۳۸۶). شهرنشینی شتابان، روندها و پیامدها، مجله اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ۲۳۸: ۲۳۲-۲۴۱.
- بستانی، سیما. (۱۳۹۳). اصول طراحی منظر فضاهای اجتماعی باهدف افزایش حس تعلق به محله (پیاده‌راه محلی ده ونک)، پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، گروه معماری منظر.
- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۵). سیمای شهر. فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، ۱۶(۵۳): ۱۸-۲۴.
- پرتوی، پروین. (۱۳۸۲). پدیدارشناسی مکان، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- چرخچیان، مریم. (۱۳۹۸). مقایسه رضایتمندی از فضاهای مسکونی در محلات، نمونه موردی سه محله فردوسی، دانشگاه و پونک در قزوین، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۳(۶۷): ۱۲۸-۱۰۹.
- چرخچیان، مریم. دانشپور، سید عبدالهادی و سپهری مقدم، حسین. (۱۳۸۸). تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن. نشریه هنرهای زیبا، ۳۷: ۳۸-۴۸.
- رادجهانبانی، نفیسه؛ پرتوی، پروین. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی کیفیت محیط در محله‌های شهری با رویکرد توسعه پایدار نمونه موردی: محله‌های خیابان و ایلگلی تبریز. فصلنامه دانشگاه هنر، ۶: ۲۵-۴۹.
- عبدالهی، مجید. صرافی، مظفر.، توکلی نیا، جمیله. (۱۳۸۹). بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران. مجله پژوهش‌های جغرافیایی، ۷۲: ۱۰۰-۱۱۲.
- عزیزی، محمدمهدی. (۱۳۸۵). محله مسکونی پایدار مطالعه موردی محله نارمک تهران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷:۳۵-۴۶.
- قائدنیا، پانیذ. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر در ساماندهی منظر ساحلی با هدف افزایش حس تعلق شهروندان، پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، گروه معماری منظر.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۱). جهانی شدن فرهنگ و هویت. تهران: نشر نی.

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۳ . تابستان ۱۴۰۵

Urban managment
No.83 Summer 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

- مطلبی، قاسم. (۱۳۸۵). روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. نشریه هنرهای زیبا، ۱۰: ۵۲-۶۷.
- یزدانی، محمد. حسن؛ پوراحمد، احمد. (۱۳۸۶). تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی و اسلامی (نمونه، تبریز). فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۸۴: ۲۹-۵۲.

- Fisher, A. T., Sonn, C. C., and Bishop, B.J. (2002). Psychological Sense of Community: Research, Applications, and Implications. New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers.
- Soleimani, M., Akbari, M., Azizy, M. and Rahmani, A. (2014). Measuring relationship of belonging and life quality (Case study: Haft Chenar Neibourhood of Tehran), Indian Journal of Foundamental and Applied Life Science, 4(4), 1210-1221.
- Abou-Shouk, M.A.; Zoair, N.; El-Barbary, M.N.; Hewedi, M.M. Sense of place relationship with tourist satisfaction and intentional revisit: Evidence from Egypt. Int. J. Tour. Res. 2018, 20, 172–181.
- Bentley, J., Alcock, A., Murrain, P., McGlynn, S & Smith, G. (1985). Responsive Envroments, London: Routledge Architectural Press.
- Carmona, M. & Tiesdell, s. (2007). Urban design reader. Boston: Architectural Press.
- Deutsch, K.; Yoon, S.Y.; Goulias, K. Modeling travel behavior and sense of place using a structural equation model. Journal of Transport Geography. 2013, 28, 155–163.
- Domingues, R. B., Gonçalves, G., & de Jesus, S. N. (2021). Measuring Sense of Place: A New Place-People-Time-Self Model. Journal of Tourism, Sustainability and Well-Being 9(3): 238-257.
- Erfani, G. (2022). Reconceptualising Sense of Place: Towards a Conceptual Framework for Investigating Individual-Community-Place Interrelationships, Journal of Planning Literature 37(3) 452-466.
- Gifford, R. (2002). Why Architects and LaypersonsJudge Building differently: Cognitive properties and Physical bases, Journal of Architectural ad Planning Research, 19(2), 131-148.
- Gokce, D. and Chen, F. (2021). Multimodal and scale-sensitive assessment of sense of place in residential areas of Ankara, Turkey. Journal of Housing and the Built Environment 36:1077–1101.
- Lang, J. (2005). Urban Design: A Typology of Procedures and Products. New York: Routledge Press.
- Lingard, H. and Turner, M. (2023). Measuring sense of place in project environments to promote positive mental wellbeing, International Journal of Project Management 41: 1-12.
- Newell, R.; Canessa, R. (2018). From sense of place to visualization of place: Examining people-place relationships for insight on developing geovisualizations. Heliyon 4.
- Payton, M. A., Fulton, D. C. and Anderson, D. H. (2005). Influence of Place Attachment and Trust on Civic Action: A Study at Sherburne National Wildlife Refuge. Society & Natural Resources 18 (6): 511–28.
- Peng, L.; Lin, L.; Liu, S.; Xu, D. Interaction between risk perception and sense of place in disaster-prone mountain areas: A case study in China's Three Gorges Reservoir Area. Nat. Hazards 2017, 85, 777–792.
- Rezeg, A., Roche, S. and Eveno, E. (2025) Toward a Sense of Place Unified Conceptual Framework Based on a Narrative Review: A Way of Feeding Place-Based GIS, Land 14: 170.
- Shamai, Sh. and Ilatov, Z. (2005). Measuring Sense of Place: Methodological aspects, Royal Dutch Geographical Society KNAG 96(5): 467-476.
- Shamsuddin, S., and Ujang, N. (2008). Making Places: The Role of Attachment in Creating the Sense of Place for Traditional Streets in Malaysia." Habitat International 32 (3): 399–409.
- Wartmann, F. M., and Purves, R. S. (2018). Investigating Sense of Place as a Cultural Ecosystem Service in Landscapes Through the lens of Language. Landscape and Urban Planning 175: 169–83.
- Zhang, J.; Li, Q. (2021). Research on the Complex Mechanism of Placeness, Sense of Place, and Satisfaction of Historical and Cultural Blocks in Beijing's Old City Based on Structural Equation Model.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۳ . تابستان ۱۴۰۵
Urban managment
No.83 Summer 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]